

بسمی تعالی

درآمدی تحلیلی بر تمایزات حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی

روح الله جوانمرد زاده

منوچهر یاسمی

امیرجان محمدی

چکیده

مفاهیم حکمرانی و حکمرانی خوب به طور فزاینده ای در ادبیات توسعه مورد استفاده قرار گرفته است، حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه در حال استقرار و نهادینه سازی است و سعی در اجرای شاخص های این الگو از حکمرانی که شامل قانونمندی، کارآمدی دولت، شفافیت، پاسخگویی، و کاهش فقر می شوند را دارند، از سوی دیگر رویکرد جهانی حکمرانی متعالی نیز در حال پیاده سازی است و در جهت دستیابی به اهدافی شامل توسعه انسانی پایدار، ایجاد رفاه اجتماعی پایدار با تاکید بر حفظ محیط زیست، ثبات سیاسی و اقتصادی و همچنین توسعه مشارکت زنان می باشد. در این نوشتار سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه ای ضمن بیان مفاهیم و مولفه های حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی تمایزات هر دو گونه از حکمرانی بیان شود، و در پایان نیز پیشنهاداتی در راستای اجرای الگوی حکمرانی مطلوب در ایران را ارائه می نماید.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی، حاکمیت قانون، مشارکت، توسعه

۱ کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی اسلامی

۲ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

۳ کارشناس علوم انتظامی

در طول تاریخ دولت‌ها برای رفع مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به سیاست‌های خاصی روی آورده و همیشه، حکومت کردن توسط حاکمان مورد توجه صاحب نظران حقوق عمومی بوده است، تمامی حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت برای جامعه اعلام می‌کنند.

حکمرانی خوب بیانگر نوعی چرخش نظری در رابطه با مفهوم قدرت و تصمیم‌گیری از وضعیت آمرانه (بالا-پائین) به الگوی مشارکتی میان سه بخش خصوصی، دولتی و جامعه مدنی است. به تعبیر بهتر، حکمرانی خوب معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است که سه چشم انداز را ایجاد می‌کند: نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت عمومی به منظور اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها عمومی مطرح‌اند؛ بخش خصوصی عامل تولید و تقویت سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و ایجاد رفاه نسبی تلقی می‌شود؛ و سرانجام نقش دولت به عنوان تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه ارزیابی می‌شود. اولین مؤلفه‌ی تعیین‌کننده در ثبات سیاسی، نقش مردم در یک سیستم و نظام سیاسی است. یعنی اگر مردم از یک نظام سیاسی پشتیبانی و حمایت کرده و آن را با همان مؤلفه‌ها و ارزش‌ها استمرار بخشند، آن نظام در علوم سیاسی از ثبات سیاسی برخوردار خواهد بود. به طوری که عامه مردم را از مهم‌ترین عوامل ثبات سیاسی قلمداد می‌کنند. بنابراین می‌توان ثبات سیاسی را به مشروعیت حکومت از طرف جامعه ارتباط داد.

حکمرانی خوب، واژه‌ای است که حاکی از تغییر پارادایم نقش دولت و حکومتها می‌باشد. حکمرانی تنها در مورد دستگاه‌ها یا بازیگران نیست، بلکه از آن مهم‌تر در مورد کیفیت حکمرانی است که توسط شاخصها و ابعادی آن را تشریح می‌کند. حکمرانی خوب در واقع مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری است. حکمرانی خوب یعنی شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقاء تساوی افراد در برابر قانون (مقیمی و اعلایی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۱۸).

حکمرانی متعالی ریشه در اسلام و حکومت‌های پیامبر بزرگ اسلام، حضرت محمدصل الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام دارد؛ یعنی هر حکومتی که واجد شاخصهای حکومتهای حضرت محمدصل الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و ائمه اطهار باشد، حکمرانی متعالی تلقی می‌شود.

بایست پذیرفت که دوام و بقای یک نظام سیاسی، با مشارکت افراد، گروه ها و نهادهای مدنی معنا پیدا می کند و در صورت نادیده گرفتن این شاخص در یک نظام سیاسی زمینه های فروپاشی آن نظام فراهم می شود به هر اندازه حاکمیت احکام الهی و حاکمیت قانون، پاسخ گویی در برابر مردم و قانون، و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر، و فساد، مقررات اضافی، بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به پیشرفت و تکامل متعالی مناسب تر است. محور گزارش راهبردی حاضر، موضوع حکمرانی خوب باهدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار است که در آن بر کاهش فقر، اشتغال و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می شود. بنابراین، در این نوشتار، ابتدا حکمرانی خوب و شاخص های آن تعریف و تبیین شده و سپس حکمرانی متعالی و شاخص های آن که عموماً ملهم از تعالیم اسلامی است معرفی می گردد، و درنهایت، تمایزات هر دو الگوی حکمرانی ارائه و نتیجه گیری می شود.

مبحث اول: حکمرانی خوب، بیان مفاهیم، مبانی و شاخص های آن

گفتار اول : تعاریف و مفاهیم

بند اول: حکومت^۱ و حکمرانی^۲

حکمرانی مفهوم پیچیده ای است که ارائه تعریفی دقیق و مشخص برای آن مشکل می باشد. از آن جا که این اصطلاح جنبه‌ی شهودی قوی دارد، افرادی که از آن استفاده می کنند کمتر به فکر ارائه تعریف دقیق از حکمرانی هستند. بهر حال، به لحاظ زبان شناسی حکمرانی از دیرباز بر عمل یا فرایند حکومت کردن دلالت می کرده است. برنامه توسعه‌ی سازمان ملل حکمرانی را اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در امور کشور داری در تمامی سطوح آن می داند. اما برخی دیگر مانند کارن بر این باورند که، حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه‌ی مدنی، حکومت کنندگان و حکومت شوندگان مربوط می شود.

اصطلاحات حکمرانی و حکومت، دارای مفاهیم محض و تخصصی بوده که بعضاً فارغ از مفهوم، معمولاً جایگزین یکدیگر به کار می روند. اما قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری برمی گردد. واژه‌ی حکمرانی از لغت یونانی (kybernan) و (kybernetes) گرفته شده و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن است (شریفانی ثانی، ۱۴۹: ۱۳۸۰).

در ادبیات حقوق عمومی از حکومت و حاکمیت به عنوان یکی از عناصر و ارکان بنیادین دولت- کشور^۳ یاد می شود که مفهوم آن سیطره‌ی اراده‌ی برتر است که در یک قلمرو سرزمینی معین هیچ اراده‌ی رقیب دیگری از گروه‌های اجتماعی فراتر از آن وجود ندارد و از نظر بیرونی اراده‌ی فوق نایستی تحت سلطه و آمریت دولت دیگر باشد (عالم، ۱۳۷۵ : ۱۴۵).

بند دوم: مفهوم حکمرانی خوب در حقوق عمومی

مفهوم حکمرانی خوب به دلیل جدید بودن آن هنوز به انسجام و استواری لازم نزدیک نشده و تعابیر مختلفی در مورد آن به کار می رود. برخی تعاریف ویژگی های آن را برمی شمارند و برخی دیگر عناصر آن را، به عنوان مثال کارشناسان بانک جهانی با بیان ویژگی ها به بیان آن می پردازند. و معتقدند مولفه هایی چون مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، توجه به آرا عمومی و توافق جمعی، برابری، اثر بخشی و کارایی، چشم

1. Government.

2. Governance.

3. Nation-state.

انداز استراتژیک حکمرانی خوب را شکل می دهند. (سردار نیا و شاکری، ۲۸:۱۳۹۳) و برخی نیز آن را با عناصرش معرفی می کنند و معتقدند که حکمرانی خوب شامل عناصر زیر است:

در نظر گرفتن تنوع میان افراد، بین سازمان ها و مدیریت نیروها و نهاد های منطقه ای و جهانی.

-پویایی محیط و فرایند ها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهاد ها.

-عقلایی کردن نقش دولت.

-تقویت افراد ، ذینفعان ، شهروندان و جامعه مدنی و بخش خصوصی برای قبول نقش ها و مسئولیت ای جدید.

-ایجاد هم افزایی بین حکمرانی رسمی و خودگردانی غیر رسمی.

-ظرفیت سازی ، شامل بهبود منابع انسانی ، تقویت خط مشی و مدیریت مالی و ایجاد و ارتقا شراکت در زمینه رشد کارساز اقتصادی و برابر در سطوح جهانی، منطقه ای ، ملی و محلی ، گروهی دیگر از محققان با بیان ویژگی های حکمرانی خوب به ارائه تعریف از آن پرداخته اند. آنان معتقدند حکمرانی خوب دارای ویژگی های ذیل است:

-وجود و تقویت ساختارهای مردم سالارانه در جامعه.

-شفافیت ، پاسخ گویی، هوشمندی و توسعه مشارکت جویان.

-توجه و واکنش به درخواست های مردم .

-ایجاد خط مشی های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه.

-احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون(قلی پور، ۷۴:۱۳۸۷)

به هر حال، تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم حکمرانی خوب، به عمل آمده است که از جمله آن می توان به تعاریف زیر اشاره کرد:

کمسیون جامعه ی اروپا تصریح می کند که حکمرانی خوب، متضمن این موضوع است که دولتمردان، نهاد ها و سازمان ها به حقوق بشر ، اصول دموکراسی و قانون مندی ، احترام بگذارند.

بانک توسعه آفریقا حکمرانی خوب را اینگونه تعریف می کند: حکمرانی خوب همان حکمرانی شفاف است که بر چهار پایه بهم وابسته یعنی پاسخ گویی، شفافیت، قابل پیش بینی بودن و مشارکت استوار می باشد.

بر اساس جدید ترین تعریف **بانک جهانی**، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست های پیش بینی شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت پذیری کارگزاران، پاسخ گویی دستگاه های اجرایی در قبال عملکرد های خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور می یابد. به طور کلی می توان گفت حکمرانی خوب، تعیین کیفیت و چگونگی اداره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای رسیدن به اهداف معین شده، می باشد. این مورد دربرگیرنده روش ها و راهکارهایی است که شهروندان و سایر کنش گران اجتماعی می توانند از این طریق، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را داشته باشند.

باتوجه به تعاریف فوق، حکمرانی خوب در واقع یک گفتمان نوینی در اعمال حکمرانی به حساب می آید که با تلفیق مولفه های خاص، حکمرانی ایده آل را توصیف می کند. تبیین اندیشه حکمرانی خوب را می توان به عنوان الگوی نوینی برای اداره کشور به حساب آورد این خود باعث شکل گیری گفتمان و مدل جدیدی برای مملکت داری می شود.

لازم به یادآوری است که، حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی آن یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوص یک تعامل دوسویه و متقابل وجود دارد. فعالیت تعاملی بین این سه بخش، نقش پیش برندگی و تسهیل کنندگی را ایفا و بسترهای لازم برای تحقق حکمرانی خوب فراهم می کند (امامی، ۱۳۹۵: ۳۱).

گفتار دوم: ویژگی های بنیادین حکمرانی خوب

بند اول: مسئولیت پذیری:

مسئولیت پذیری پیش شرط اساسی حکمرانی خوب است. حکومت باید موظف به ارائه گزارش و پاسخگو در برابر نتایج تصمیماتی باشد که اتخاذ نموده است.

بند دوم: شفافیت:

شفافیت مبتنی بر گردش آزاد اطلاعات^۲ و توانایی دسترسی به فرایندها، نهادها و اطلاعاتی است که بر زندگی مردم اثر می گذارد. مردم باید قادر باشند از فرایند تصمیم گیری مطلع شوند و در جریان آن قرار بگیرند. این بدین معنا است که

آن‌ها قادر باشند به نحوی روشن و شفاف دریابند که چرا و چگونه تصمیمی خاص بر پایهٔ اطلاعات، مشاوره و راهنمایی افراد یا شورایی اتخاذ شده است و چه پیامدهای قانونی ای دارد.

بند سوم: حاکمیت قانون و متابعت از آن:

حاکمیت قانون به معنای اعمال منصفانه و برابر قانون برای همه و بدون محدودیت خاص می باشد. متابعت از قانون به معنای اطاعت و پایبندی به قانون گذاری و قوانینی است که از طریق مجاری رسمی وضع شده است.

بند چهارم: مسئولیت پذیری:

تصمیم گیرندگان در حکومت، بخش خصوصی و سازمان های جامعه مدنی بسته به جایگاه و نقش خود در تصمیم گیری، در برابر عموم شهروندان و مقامات قانونی مسئول هستند. حکومت باید همیشه تلاش کند تا بتواند به نیازهای همه اعضای جامعه پاسخ مناسب دهد و منافع رقیب^۵ و متعارض آن‌ها را به شیوه ای مناسب و مسئولانه باهم متوازن سازد.

بند پنجم: منصفانه و دارای شمولیت:

رفاه جامعه نتیجه این احساس و ادراک در همه اعضای جامعه است که منافع آن‌ها در فرایند تصمیم گیری لحاظ می شود. این بدان معناست که همه گروه‌ها، به خصوص گروه‌های مستقل، این فرصت را دارند که در این فرایند سهم شوند و سطح رفاه خود را حفظ و یا بهبود بخشند.

بند ششم: مؤثر بودن و کارآمدی:

حکومت باید تصمیماتی را اتخاذ کند و فرایندهایی را به اجرا بگذارد که به بهترین نحو از افراد موجود، منابع و زمان برای تضمین بهترین نتایج ممکن برای جامعه استفاده شود.

بند هفتم: مشارکت جویی:

هر یک از افراد جامعه اعم از زن و مرد که علاقه مند یا متأثر از تصمیمات هستند می بایست فرصت داشته باشند که در فرایند اتخاذ تصمیم مشارکت کنند. این مسئله می تواند به روش های مختلفی نظیر کسب اطلاعات از آن‌ها، نظرسنجی، ایجاد فرصت برای ارائه نظرات و دیدگاه‌ها^۳، برخورداری از تصمیم گیرندگان یا نمایندگانی در فرایند تصمیم گیری و در برخی موارد مشارکت برابر در فرایند تصمیم گیری ممکن شود. در برنامه توسعه ملل متحد با عنوان «حکمرانی برای

توسعه پایدار» آمده است: «چنین حق گسترده ای برای شهروندان از طریق آزادی بیان و برگزاری انجمن ها و تجمعات و به همان نحو مشارکت سازنده^۴ مبتنی است».

بند هشتم: اجتماع محوری:

حکمرانی خوب، میانجی گری میان منافع مختلف برای دستیابی به اجماع گسترده درباره بهترین راه دستیابی به منافع گروه ها، سیاست گذاری و رویه های ممکن است.

بند نهم: نگرش استراتژیک:

تدبیر امور و تأمین مصالح عمومی از طریق داشتن چشمانداز استراتژیک ممکن می شود. سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان دارای چشماندازی وسیع و بلندمدت هستند و تلاش می کنند پیچیدگی های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی را درک کنند.

گفتار سوم: اهداف حکمرانی خوب

اهداف کلان حکمرانی خوب به شرح زیر تدوین شده اند:

- بازساخت جامعه ی مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان ها، نهادها و جوامع محلی .
- کاهش فقر و جدایی گزینی های اجتماعی، قومی و فرهنگی در کشور.
- افزایش مشارکت شهروندان و صاحبان منافع در فرآیندهای سیاسی.
- کاهش فساد و افزایش سلامت اداری
- بهبود کیفیت معاش و افزایش امکان زندگی برای همه ی شهروندان
- حفظ و توسعه مردم سالاری.
- ایجاد فرصت و امکان برای شهروندان به منظور نشان دادن مطالباتشان.
- اعتلای امنیت، برابری و پایداری در کشور (امامی، ۱۳۹۵ : ۳۳).

برای تحقق اهداف فوق، مستلزم وجود مدلی از حکمرانی هستیم که دارای مشخصات متناسب با اهداف بیان شده باشد. براینکه این خصوصیات به شرح ذیل قابل استنتاج هستند:

- تشریک مساعی و همکاری بین کنشگران (بخش خصوصی، جامعه مدنی، دولت) از طریق تعامل دوسویه و متقابل.

- عملکرد سازمان سیاسی بایستی شفاف و محاسبه پذیر در حد تضمین امکان اعمال رای و نفوذ موثر حکومت شوندگان بر حکومت کنندگان

- قانون گرایی و احترام به عرصه ی عمومی و مدنی و هم چنین به رسمیت شناختن حقوق فردی، مدنی و اجتماعی.

- مشارکت فعال و موثر شهروندان و سایر کنشگران اجتماعی بر مبنای عدالت، توافق و اجماع آرا و نظرات.

- توانمندی و نوآوری در شیئه ی حکمرانی و اداره ی کشور.

- کارآمدی حکومت در زمینه ی برآورده ساختن مطالبات شهروندان.

به این ترتیب اداره ی امور کشور در سیر تحول مفهومی و نظری خود به استناد مدل حکمرانی خوب با پذیرش فرآیند کل نگر و فراگیر همه کنشگران و بخشهای رسمی و غیررسمی مرتبط با اداری کشور، ماهیتی متفاوت به خود می گیرد.

گفتار چهارم: ارزیابی مولفه های حکمرانی خوب در قانون اساسی ایران

ساختار دولت در ایران از دوساختار اجتماعی و فرهنگی نشات گرفته است (آشوری ۱۳۷۶: ۱۷-۳۴). همین شکل فرهنگی و اجتماعی باعث به وجود آمدن نوع خاصی از حکومت در ایران شده، که توأمان بر اسلامیت نظام (اصل چهارم و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و جمهوریت نظام (اصل ششم قانون اساسی) تاکید می شود. از جمله وظایف و کارکرد های قانون اساسی کیفیت توزیع قدرت سیاسی، سازماندهی و اقتدار می باشد، که اصول آن در متون قانون اساسی منعکس شده است. مولفه های حکمرانی خوب به صورت کلی در اصول قانون اساسی بیان شده است.

حکمرانی خوب نمی تواند یک نسخه استاندارد باشد، حکمرانی خوب در کشورهای مختلف بایستی براساس اوضاع و احوال و شرایط فرهنگی آن ها باشد. به هر حال اصول بنیادین حکمرانی خوب، جهانی و همگانی است ولی اجرای آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. همه کشورها حق دارند که مدل ملی متعلق به خود را در

زمینه ای حکمرانی خوب مشخص و تعیین کنند در ذیل به ارزیابی کاربرد مولفه های حکمرانی خوب در قانون اساسی پرداخته می شود.

۱- حاکمیت قانون

در سادترین بیان، حاکمیت قانون یعنی انجام هر عملی مطابق قانون باشد. در مقام بیان تمایز میان حقوق عمومی و خصوصی، حاکمیت قانون را می توان در تقابل با حاکمیت اراده قرار داد. از این نظر گاه حاکمیت قانون، موجد و معرف صلاحیت ها و نه اراده است، حاکمیت قانون وضعیت عدم حاکمیت اراده است (امامی، زرگوش، ۱۳۸۷: ۵۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تجدید وظایف و اختیارات کارگزاران و برابر شمردن آنها با دیگر آحاد ملت و همچنین پیش بینی نظارت های متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون را به رسمیت شمرده است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۳). تساوی و برابری افراد در برابر قانون و ایجاد عدالت در توزیع منابع و امکانات در بین شهروندان از ابزارهای حاکمیت قانون می باشد، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکید اساسی شده است.

۱-۱ موانع اجرایی حاکمیت قانون در ایران

- ۱- عدم پیش بینی ضمانت اجرای لازم برای اجرای قوانین.
- ۲- عدم مشارکت و نظر خواهی شهروندان در تهیه، تدوین و اجرای قوانین.
- ۳- تغییرات پی در پی قوانین و مقررات.
- ۴- عدم تطابق قوانین با نیازهای شهروندان.

۱-۲ راههای تقویت حاکمیت قانون در ایران

- وجود قوانین شفاف و صریح
- تقویت سیستم قضایی و نظارتی
- استفاده از رسانه های گروهی برای فرهنگ سازی در راستای احترام به قانون و رعایت حقوق شهروندی
- پیش نویس قوانین و مقررات قبل از تصویب در اختیار شهروندان و صاحب نظران قرار گیرد.

۲- کرامت انسانی

در قانون اساسی همه افراد جامعه صرف نظر از نژاد، زبان، قومیت و جنسیت در تمامی عرصه های اجتماعی از حقوق مساوی برخوردارند(اصول ۱۹، ۲۰). از سوی دیگر تعرض به جان، مال، حیثیت، مسکن، عقیده و فکر جمعی ممنوع است و قانون از آن حفاظت می کند (اصول ۲۳، ۲۲، ۲۶، ۲۴). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سیستم قضایی برای حراست از حقوق فردی و اجتماعی تمامی شهروندان به صورت مستقل بنا شده است.

۲- مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری یک امر حیاتی برای حکمرانی خوب است، البته بدون وجود شفافیت و قانونمندی قابل اجرا نیست. مسئولیت پذیری حکومت در مقابل مردم و نیز و نیز مردم در مقابل حکومت و جامعه، عنصر مهم در ایجاد رابطه دوسویه و همکاری جویی و عدم شکاف بین حکومت و جامعه است که امروزه به دلیل پیچیده شدن جوامع و گسترش نیازها، این دوسویگی و تعامل برای ایجاد و استمرار حکمرانی ضروری است(سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۴۳).

۳- عدالت محوری و برابری

نابرابری های اقتصادی و اجتماعی یکی از اوصاف مشترک همه جوامع به شمار می رود. اما استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی یکی از اهداف عالی ای است که حکومت ها آن را در سرفرجه برنامه های خود قرار داده اند. در این راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مخلف(اصل سوم، اصل بیست و هشتم و بیست و نهم، و اصل چهل و چهار و پنجم) پی ریزی اقتصاد صحیح عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه مسکن و کار و بهداشت و به کار انداختن انفال و ثروت های عمومی و نیز توزیع عادلانه منابع طبیعی کشور، را به عنوان یکی از سیاست های اسای دولت مقرر داشته است. این تکلیف قانونی ایجاب می کند زمامداری کشور، با بهره برداری امکانات و استعداد های ملی، آن چنان سیاستی را پیش گیرد که نظر مذکور را تامین کند.

۴- مشارکت

مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود یکی از اصول بنیاین حقوق عمومی و علوم سیاسی محسوب می شود. بدین معنی که مشروعیت قدرت سیاسی مبتنی بر آزای و ابتکار عمل شهروندان در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور به حساب می آید. با قبول حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، مشارکت

آنان در انتخاب زمامداران یکی از زمینه های بارز این حاکمیت است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۳۵). مشارکت سیاسی شهروندان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری و اجرای آن از طریق مشارکت از راه انتخابات، مشارکت از طریق نظارت همگانی، مشارکت در تشکیل شوراهای و عضویت در آنها و مشارکت در فعالیت های اقتصادی صورت می پذیرد که متأسفانه به دلایل ذیل مشارکت شهروندان در برخی زمینه ها به مثابه کشورهای غربی چشمگیر نبوده است

۱- نبود انگیزه کافی شهروندان برای مشارکت به دلیل عدم تامین حداقل مطالبات آنها.

۲- تقدم منافع شخصی برخی مدیران بر منافع شهروندان.

مبحث دوم: حکمرانی متعالی

کفتار اول: مفهوم و مبانی حکمرانی متعالی

حکمرانی متعالی از مؤلفه ها یا ابعاد متعددی تشکیل شده است. این اجزای تشکیل دهنده، به منزله اجزاء پرجنب وجوش یک سیستم پویا، فعالانه بایکدیگر تعامل می کنند، و همگی واحد منحصربه فردی را تشکیل می دهند که همراه با تنوع، پیچیدگی و جدیت داخلی و چالشها، محدودیتها و فرصتهای خارجی کار می کنند. ویژگیهای پویای داخلی و خارجی دائماً تعامل می کنند و این در حالی است که سیستم پویا حکمرانی را در مسیر و فعالیتهای هدفمند حفظ می کنند. تنوع به سیستم حکمرانی فرصت دریافت بازخورد از نیروهای دیالکتیکی مخالف را می دهد که مانند ساز و کارهای کنترل و موازنه عمل می کند. همچنین، تنوع خون تازه را به درون سیستم تزریق می کند و نوآوری و خلاقیت را افزایش می دهد و این همان ویژگی حکمرانی متعالی است که سیستم را بی عیب و نقص و پویا می سازد (دهقانان و مرندی، ۱۳۹۳).

حکمرانی متعالی ابعاد متعددی دارد، که این ابعاد به اتفاق دیگران، همراه با یک رهبری جامع و مشارکت فعال عناصر متعامل به مانند یک ارکستر عمل می کنند و به سیستم حکمرانی ویژگی هایی فراتر از انتظارات می بخشند (Farazmand, 2004 b).

بیان مفاهیم ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره امام علی (ع)

حکمرانی جامع فرایند حکومت کردن را با تعامل همه عناصر یا ذی نفعان درگیر دربر دارد. در اندیشه سیاسی و سلوک حکومتی امام علی(ع) نقش اصلی و کلیدی در حکومت از آن مردم است؛ بدین معنی که حکومت بدون مردم و بدون خواست آنان تحقق نمی یابد و بدون اقبال و رأی مردم مشروعیت سیاسی پیدا نمی کند و بدون حضور و مشارکت همه جانبه مردم به درستی اداره نمی شود، و فارق از محور قراردادن مردم، حکومت سلامت نخواهد داشت بنابراین، مردم نقشی ایجابی، ابقایی، و اصلاحی دارند و تحقق حکومت و صلاح و سامان و پابرجایی و سیر به سوی اهداف آن به مردم بسته است(دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ الف). امیرمؤمنان تحقق حکومت خود را این گونه معرفی کرده است:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را رابر من تمام نمی کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران و وگرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را برکوهان آن انداخته رهاش می ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم(نهج البلاغه، ۱۳۷۶:خطبه ۳).

گفتار دوم: شاخص های حکمرانی متعالی

شاخص عبارت است از ساز و کار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده(شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲). نهادهای بین المللی و کارشناسان آنها برای حکمرانی خوب شاخص هایی ذکر نمودن تا از این طریق، کشورهای جهان را ارزیابی کنند که آیا حکمرانان کشورهای در حال توسعه، امور جامعه شان را بر اساس این الگو اداره می کنن یا خیر؟ اگر کشوری مطابق این شاخص ها عمل کند مطابق این الگو موفق بوده و در نتیجه، از کمک ها و حمایت ها جهانی و نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی، برنامه توسعه مله متحد و صندوق بین المللی پول برخوردار می شود. اما اگر مطابق این شاخصها عمل نکند از این حمایتها و کمک ها محروم خواهد شد. شاخص های بسیاری به وسیله نهادهای و صاحب نظران جهانی بیان شده که در اینجا، تنها به بیان برخی از شاخص هایی که توسط بانک جهانی، تعیین شده، بسنده می شود.

بنداول: پاسخگویی و حق اظهارنظر

منظور از این شاخص آن است که آیا در جامعه حق اظهار نظر، یعنی آزادی بیان از ناحیه شهروندان، احزاب سیاسی، تشکل ها، انجمنها، ادیان و مذاهب، رسانه های جمعی، اقوام و نژادها، شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی به صورت آزادانه مشارکت دارند، آیا تمام گروههای دخیل در تصمیم گیری های دولتی، نسبت به

عملکردشان در برابر مردم پاسخگو هستند، آیا افراد و بنگاه های اقتصادی از تصمیمات دولتی، که آنها را تحت تأثیر قرار می دهند، به موقع و به طور کامل آگاه می شوند؟ به هر اندازه که آزادی بیان توسط رسانه ها و نشریات و افراد، مشارکت شهروندان در انتخاب دولت، اطلاع یافتن از تصمیمات تأثیرگذار و آمادگی دولت مردان برای پاسخ گویی بیشتر باشد، به همان اندازه، وضعیت بهتری از حکمرانی خوب در کشور وجود خواه داشت.

بند دوم: ثبات سیاسی و نبود خشونت

یکی از شاخص هایی که رشد پایدار اقتصادی را امکان پذیر می کند، ثبات سیاسی و عدم خشونت، یعنی محیط پایدار و امن است، به عبارت دیگر، ثبات سیاسی، از جمله ملهومات رشد باثبات اقتصادی است و ریشه در اصل عدالت و برابری دارد؛ یعنی در صورتی ثبات سیاسی تحقق پیدا می کند که عدالت اجتماعی و برابری در جامعه حاکم باشد. منظور از آن شاخص این است که در کشور، تضادهای فرهنگی و قومی کاهش یاب و اعتراضهای سیاسی و ناآرامیهای اجتماعی به حداقل برسد و برخوردهای اجتماعی از قبیل اعتراض، اعتصاب، ترور، خشونتهای سیاسی و آشوبهای خیابانی کاهش یابد و تغییر در ترکیب قدرت سیاسی از طریق اقدامات مسالمت آمیز و منطبق بر قانون اساسی و نظام مردم سالاری - نه از طریق وراثت و کودتا - امکان پذیر باشد. بر اساس این شاخص، هر قدر احتمال نبود ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان دهنده حکمرانی ضعیف است و هر قدر کشوری از ثبات بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیازی بالاتری کسب می کند (نادری قمی، ۱۳۹۰). همان گونه که ملاحظه می شود، بر اساس این شاخص، رابطه میان ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برقرار است؛ یعنی هر قدر ثبات سیاسی برقرار باشد به همان اندازه، توسعه اقتصادی نیز برقرار خواهد شد.

بند سوم: اثربخشی دولت

منظور از اثربخشی دولت، میزان استفاده از مهارت های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی دیوان سالاری دولت است. به عبارت دیگر، منظور از این شاخص آن است که دولت در جمع آوری درآمد های مالیاتی و سایر درآمد های دولتی، همچنین در اجرای نوآوریهای سیاسی ملّی، تدوین به موقع بودجه های سالانه، نظارت بر فعالیتهای اقتصادی-اجتماعی، ایجاد زیرساختهای ملّی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد. همچنین به میزان توانایی دیوان سالاری بر ارائه خدمات مدنی بدون تأثیر پذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابجایی های صورت گرفته

در ساخت قدرت سیاسی، نیز به اندازه توانمندی دولت در رویارویی با بلایایی طبیعی، مدیریت بدهی های خارجی و در تمرکز دایی از فعالیتهای دولتی، به همان اندازه، توسعه اقتصادی و حکمرانی خوب تحقق یافته است. همچنین وجود رقابت در بین کارکنان دولتی، کیفیت مدارس عمومی، و کارایی نیروی پلیس از زیر مجموعه های شاخص اثربخشی دولت است. به عبارت دیگر، به هر اندازه میان کارکنان دولتی رقابت وجود داشته باشد و کیفیت مدارس عمومی بهتر بوده، کارایی پلیس بالاتر باشد، به همان اندازه، دولت اثربخش تر خواهد بود. خلاصه آنکه منظور از این شاخص، کیفیت خدمات عمومی و شهروندی و همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط مشی های عمومی و دولتی و میزان تعهدی است که دولت در برابر این سیاستها دارد.

بند چهارم: کیفیت قوانین و مقررات

منظور از این شاخص توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست ها و قوانین و مقررات است. اصولاً کیفیت قوانین و مقررات مصوّب به عنوان پایه های اصلی نهادهای رسمی، نقش مهمی در موفقیت توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی دارد. هر قدر قوانین و مقررات موجود از کیفیت بهتری برخوردار باشند حکمرانی وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد؛ به عبارت دیگر، هر قدر دولت بتواند با تدوین سیاست ها و نظام های گوناگون، موجبات توسعه فعالیت های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر ادارت جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خوب خواهیم بود (همان).

بند پنجم: حاکمیت قانون

منظور از این شاخص کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس و محاکم قضایی است. اگر پس از انعقاد قراردادها، پیمان ها و تعهدات، اعم از دولتی یا خصوصی، نتوان چندان به اجرای آنها امید داشت و همچنین اگر جرم و تخلف آف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پی گیری نباشد، نشان دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است. به عبارت دیگر، منظور از حاکمیت قانون در فرایند حکمرانی، این است که سیاست گذاران همانند شهروندان، در برابر قوانین یکسان تلقی شوند و نسبت به عملکرد خود، پاسخ گو باشند. بر اساس این شاخص، رعایت اصول عدالت، انصاف و استقلال در دستگاه قضایی و سرعت در اجرای مراحل قضایی تأثیر زیادی بر تثبیت حاکمیت قانون دارد (دبیرخانه میمک تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۷).

همچنین تأثیرگذاری دولت یا سایر افراد بر فرایند قضاوت و نحوه تصمیم گیری در امر حاکمیت قانون مهم تلقی شده است.

بندششم: مهار فساد

یکی از شاخص های حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی، مهار فساد اداری است. عوامل بسیاری بر این شاخص مؤثرند که برخی از آنها عبارتند از: میزان فساد در کشور، گسترش روابط خانوادگی، استفاده از قدرت به نفع دوستان، گسترش دیوان سالاری که زمینه بروز فساد را فراهم می کند، بی اعتمادی عمومی به درست کاری مالی سیاست مداران، پرداخت های که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صوت می گیرد، استفاده سیاست مداران از بودجه عمومی، و در نهایت، پرداخت های غیرقانونی که توسط افراد بانفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایرینگه ها صورت می گیرد. اینها عوامل مهمی هستند که وضعیت شاخص کنترل فساد را تعیین می کنند. به عبارت دیگر، وجود این عوامل نشان دهنده حکمرانی ضعیف و فقدان آنها بیانگررتبه بالاتری از حکمرانی خوب است.

گفتار سوم: الگوی عملیاتی حکمرانی متعالی در ساختار نظام جمهوری اسلامی

از آن جا که رشد و کمال و سعادت در دیدگاه های اعتقادی نظام های سیاسی یکسان نیست؛ برخی آن را به رشد و تعالی از طریق ارزشهای الهی و برخی دیگر به بهره برداری از امکانات مادی دنیا تعریف می کنند. با این پیش فرض می توان معنای عامی را برای حکمرانی و سیاست در نظر گرفت و سپس بر اساس دیدگاه های اعتقادی نظامهای سیاسی، آن را به صورت خاص معنا کرد.

حکمرانی در معنای عام خود، تدبیر امور جامعه بر اساس قانون مشخص به رهبری افرادی مشخص برای رسیدن به هدفی مشخص است. با توجه به این تعریف عام، اگر محتوای قانون، الهی باشد یا بشری؛ قانون گذار، خدا باشد یا انسان؛ هدف، قرب الهی باشد یا سود و لذت؛ تعریف حکمرانی متفاوت خواهد شد و لذا چندین نوع حکمرانی خواهیم داشت که یکی از آنها حکمرانی در اصطلاح خاص اسلامی است؛ حکمرانی در اصطلاح اسلامی به معنای مدیریت صحیح و تدبیر امور جامعه برای اصلاح دنیا و آخرت مردم است که بر اساس قانون

الهی و حاکمان ماذون از طرف خدا برای رسیدن به کمال نهایی انسان اعمال می شود. در این تعریف، سیاست با ولایت و امامت مترادف می باشد.

در تعریف حکمرانی شایسته اسلامی، بر خلاف نگرش غربی و غیراسلامی آن، بر عنصر هدایت، اصلاح و ارشاد جامعه در سایه هدایت‌های الهی تاکید می شود. لذا دانشمندان اسلامی در تعریف سیاست گفته اند: سیاست، یعنی اصلاح و تربیت مردم از طریق ارشاد و هدایت کردن آن‌ها به سوی راهی که باعث سعادت دنیا و آخرت آن‌ها می گردد.

مبحث سوم: تمایزات الگوی متعالی حکمرانی با الگوی رایج حکمرانی خوب

گفتار اول: نقد و ارزیابی مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب

همان گونه که در مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب ملاحظه شد، هدف اصلی در این الگو، توسعه، به ویژه توسعه اقتصادی و مادی است؛ یعنی از نظر نهادهای بین المللی و نظریه پردازان، در حکمرانی خوب، مهم این است که حکومت از نظر مادی توسعه پیدا کند. از نظر آنان، الگوی مزبور می تواند ابزار خوبی برای این توسعه باشد.

اما این الگو به عنوان ابزار توسعه، چند مشکل اساسی دارد: اولاً، حکمرانی خوب از نظر هستی شناسی، معتقد به اصالت فرد در مقابله اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد .

ثانیاً، از نظر انسان شناسی، معتقد به اومانیسم است و همه چیز را در محور انسان - نه خدا - ارزیابی می کند. ثالثاً، از نظر معرفت شناسی معتقد به اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد قابل شناخت است. بنابراین، به دیگر عوامل معرفت توجه ندارد. رابعاً، از نظر روش شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می داند و روش وحیانی را، که به تجربه در نمی آید، انکار می کند.

بر این اساس حکمرانی خوب اولاً، به بعد معنوی انسان توجه ندارد. حتی حاضر است در صورت نیاز، اخلاقیات و معنویات را فدای توسعه مادی کند. ثانیاً، این الگو تنها به بعد جسمانی انسان بسندده نموده، به بعد روحانی و

متعالی انسان توجه ندارد. به عبارت دیگر، این الگو تنها می تواند یک جامعه توسعه یافته کاملاً مادی به ارمغان آورد (مصباح، ۸۷: ۱۳۸۲). بدین روی، آیت الله مصباح می فرماید :

تفکر حاکم بر غرب در حال حاضر، تفکری الحادی- لیبرالی، یعنی منهای دین است. در چنین نگرشی، جامعه، سیاست، انسان و تمام ارزش هایی که برای وی مطرح می شود، از خود انسان نشئت گرفته است و آفریننده ارزش ها خود انسان است (اومانیسیم). بنابراین، در این نگرش، جایی برای خدا و آخرت منظور نشده است (همان).

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی خوب به عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب، وارد شده، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید: الگوی غرب برای توسعه یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزشهای انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته ان (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۷۶). ایشان به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی، آن را برای کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای اسلامی، مناسب ندانسته، می فرماید:

به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی، اخلاق و معنویت می تواند قربانی پیشرفت مادی شود (همان).

گفتار دوم: بیان ویژگی های شایسته حکمرانی متعالی در مقایسه با حکمرانی خوب

بر عکس حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی (حکومت علوی) همیشه ارزشهای معنوی را بر مصالح مادی مقدم می دارد. امام علی علیه السلام در باب امامت و خلافت، فرمودند: اگر پایه های دین را استوار نگه دارید هیچ خسارت دنیوی به شما آسیبی نمی رساند؛ ولی هرچه را که از دنیا به دست آورید در صورتی که دیتان را از دست داده باشید، برایتان سودی ندارد. (نهج البلاغه، خ ۱۷۳) ایشان به فرمانداران و عمال حکومت خود می فرمودند: مبدا برای اصلاح دنیای خویش، دین خود را به نابودی کشانده، آخرتتان را تباه سازید (همان، خ ۱۰۶).

بر این اساس، هر سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی بینجامد ولی به ارزش های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه آن حضرت مردود است. البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیت شود، باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید؛ زیرا حذف گرایش های معنوی، خسارت های دنیوی فراوانی برجای می گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران های جدید مواجه می کند (سروش محلّ آتی، ۱۳۸۰: ۴۸-۵۶).

مقام معظّم رهبری با اعتقاد به برتری حکومت اسلامی (حکمرانی شایسته) بر حکمرانی خوب می فرماید: اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می داند. ایشان می فرماید: در اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است. در جهان بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستن (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷).

در الگوی رایج حکمرانی چنین گفته می شود که حکمرانی نه درباره ایجاد تصمیم درست، بلکه در رابطه با بهترین فرایندهای ممکن برای تصمیم گیری است. بدین معنا که با نادیده گرفتن ذات و گوهر تصمیم حقیقت محور این را مطرح می کند که همه چیز بر پایه بهترین گزینه ممکن خواهد بود. حال آنکه در الگوی اسلامی این اصل بنیادین وجود دارد که در عین توجه به ضرورت تصمیم بهینه، می بایست به حقانیت و درستی آن نیز توجه داشت. صدق و حقانیت یک گزاره، امری است که نمی توان آن را با فرایندی نگرستن به مسائل نادیده گرفت.

در الگوی حکمرانی خوب با توجه به محوریت نتیجه گرایی همه تلاش های در راستای اقدام برای رسیدن به هر روش ممکن است. در حالی که در الگوی اسلامی، هرگونه تصمیمی -ولو با بهترین نتایج- مشروع نیست و نمی توان به بهانه تضمین دستیابی به هدف، از هر وسیله ای بهره گرفت.

حکمرانی خوب صرفاً مفهومی تحلیلی نیست، بلکه واجد ارزش های اخلاقی و سیاسی است. در نتیجه، آنچه دشواری بیشتری در تبیین این مفهوم ایجاد می نماید، سوء کاربردها و سوء تفاهماتی است که به واسطه بهره گیری ابزاری از مؤلفه ها و چشم اندازهای حکمرانی خوب بروز می نماید و موجب شکل گیری رویکردهای نوعاً متعارضی در میان تحلیل گران این حوزه می شود. استفاده ابزاری از هنجارها و ارزش های انسان دوستانه

توسط کشورهای غربی و تفسیر یک جانبه و تقلیل گرایانه از ارزش های الهی-انسانی یکی از بارزترین مشکلاتی است که در این زمینه وجود دارد و باید ما را متقاعد کرده باشد که تنها راه موفقیت در این زمینه، انجام اقدامات پیشدستانه و ترسیم الگوی متعالی حکمرانی خوب از دیدگاه نظام اسلامی است.

نتیجه گیری

دو نوع حکمرانی بررسی شد :

الف. حکمرانی خوب که مبتنی بر ماده گرایی، دنیاگرایی و اومانیزم است. این نوع حکمرانی اساساً به بعد مادی امور جامعه را با محوریت انسان و با رویکرد این جهانی، توجه می کند. حکمرانی خوب عمدتاً از نظر شکلی، از عناصر و مؤلفه هایی مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تشکیل شده است. این مجموعه با هماهنگی یکدیگر، تصمیم می گیرند که قدرت در دست چه کسی باشد و چه گونه اعمال شود. حکمرانی خوب از نظر محتوا، دارای مشخصه های بسیاری است که مهم ترین آنها عبارت است از: پاسخ گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قانون، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد، مشارکت، اجتماع محوری، شفافیت، انصاف و عدالت، مسئولیت پذیری و رقابت.

ب. حکمرانی شایسته که در واقع، مصداق بارز و عینیت خارجی آن حکومت نبوی و علوی است.

حکمرانی متعالی مبتنی بر خدا محوری -نه انسان محوری- است و به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد مادی به صورت هماهنگ توجه دارد. همچنین تنها به موضوعات (ماده گرایی و دنیاگرایی) توجه ندارد، بلکه به رفاه مشروع دنیایی و سعادت اخروی به صورت هم زمان توجه می کند.

حکومت از دیدگاه اسلام، یک شکل و یک محتوا دارد. در اسلام، شکل حکومت به صورت تفصیلی تعیین نشده، بلکه مطابق زمان و مکان، به خود مردم واگذار شده است. اما از نظر محتوا، دارای مشخصه هایی است که اگر آن شاخصه ها موجود باشد، حکومت شایسته متعالی است. این شاخص ها نیز به صورت کلی به وسیله

خداوند، و به صورت تفصیلی توسط انبیا و اولیا از جمله حضرت علی علیه السلام بیان گردیده است که برای همگان حجیت شرعی دارد. حکمرانی متعالی دارای شاخص های بسیاری است که در این نوشتار، در حد توان، شاخص هایی از قبیل پاسخ گویی، شفافیت، قانون محوری، مبارزه با فساد، کارایی و اثربخشی بررسی گردید.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که حکمرانی متعالی و حکمرانی خوب در برخی شاخص ها، از حیث لفظ مانند پاسخ گویی، کارایی و اثربخشی و امثال آن یکی می باشند، اما مبانی فلسفی این دو نوع حکمرانی متفاوت است؛ حکمرانی خوب مبتنی بر انسان محوری، دنیاگرایی و ماده گرایی است، ولی حکمرانی شایسته مبتنی بر خدا محوری است و به ماده و معنا و دنیا و آخرت، به صورت همزمان توجه دارد.

Abstract

The concepts of governance and good governance have been increasingly used in the development literature. Good governance in developing countries is being established and institutionalized. Extensive implementation of indicators of this model of governance, including rule of law, government efficiency, transparency, accountability, and poverty reduction, On the other hand, the global approach to transcendent governance is being implemented to achieve goals including sustainable human development, sustainable social welfare with an emphasis on environmental protection, political and economic stability, and the development of women's participation.

In this article, using library resources, while expressing the concepts and components of good governance and transcendent governance, both types of governance are expressed, and in the end, it offers suggestions for implementing a good governance model in Iran.

Keywords: good governance, transcendent governance, rule of law, participation, development.

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- نهج البلاغه (۱۳۷۶). به اهتمام سیدصادق موسوی، تهران: مؤسسه امام صاحب الزمان (عج).
- ۲- آشوری، داریوش، (۱۳۷۶). ما ومدرنیت. تهران: نشر موسسه فرهنگی صراط.
- ۳- امامی، محمدو زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۷). جنبه های درونی نظریه حاکمیت قانون در پرتو کترین حکمرانی خوب. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. سال سوم. شماره ۹.
- ۴- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). حکومت حکمت: حکومت در نهج البلاغه، تهران: دریا.
- ۵- دهقانان، حامد و عطاءاله هرندی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد نوآورانه: با تأکید بر نقش میانجی انتقال دانش، نشریه مدیریت نوآوری، س ۳، ش ۱.
- ۶- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش های تخصصی چشم انداز (حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.
- ۷- راعی، مسعود و عطریان، فرامرز (۱۳۹۱). حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه حکومت اسلامی. سال هفدهم. شماره ۱.
- ۸- سردارنیا، خلیل، و شاکری، حمید. (۱۳۹۳) تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا. مجله مطالعات حقوقی. شماره ۴.
- ۹- سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۰). اهداف و آرمانهای حکومت، قبسات، شماره ۲۰ و ۲۱، ص ۵۶-۴۸

- ۱۰- شریفانی ثانی، مریم. سرمایه اجتماعی، (۱۳۸۰) مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی. شماره ۸.
- ۱۱- شریف زاده، فتاح و رحمت اله قلی پور (۱۳۸۳). حکمرانی خوب و نقش دولت، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال اول، شماره ۲: ۴۸-۵۶.
- ۱۲- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵). بنیادهای علم سیاست تهران: نشر نی.
- ۱۳- قلی پور، رحمت اله (۱۳۸۳). تحلیل وامکان سنجی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت. دانش مدیریت. شماره ۶۷.
- ۱۴- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). کاوش ها و چالش ها، تحقیق و نگارش، محمد مهدی نادری و سید ۱۵ ابراهیم حسینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله).
- ۱۶- مقیمی، محمد، اعلائی، مصطفی و اعلائی اردکانی، مصطفی (۱۳۸۸). دولت الکترونیک کلید حکمرانی خوب، انتشارات عترت نو.
- ۱۷- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۳)، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، چاپ سوم، انتشارات میزان.

(ب) منابع انگلیسی

Farazmand, Ali (2004 b). 'Sound Governance in the Age of Globalization: A Conceptual Framework', *Sound governance: policy and administrative innovations*, ed. Ali Farazmand, 1-23, Westport: Praeger Publishers.